

بیانیه هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران :

شرایط دشوار و بغرنجی لحظه را بشناسیم!

مبارزه انقلابی توده ها را سازمان دهیم!

امپریالیستی ، در پیش گرفتن سیاست درهای بازو تمهیدهای پولی و مالی از راه افزایش مالیات های غیر مستقیم ، حراج معادن کشور ، صدور کالاهای مورد نیاز داخلی و انتشار بی پشتوانه اسکناس ، نه تنها گریزی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی نگشوده ، بلکه بحرانی را که جامعه ما با آن روبروست ، بطرز فاجعه باری تشدید کرده است .

در این میان توطئه امپریالیستی کاهش بهای نفت و به موازات آن تقلیل درآمد ارزی کشور رژیم را با مشکلات بقیه در ص ۲

کنفرانس ملی حزب توده ایران در تحلیل اوضاع اقتصادی - اجتماعی و سیاسی کشور ، بر مسئله تشدید همه جانبه بحران ساختاری جامعه و عدم ثبات سیاسی رژیم تاکید کرد . رویدادهای پس از کنفرانس صحت ارزیابی حزب توده ایران در این زمینه را به اثبات رساند . احیای نظام سرمایه داری وابسته ، بی برنامگی ، ادامه جنگ ویرانگر و کاهش شدید بهای نفت ، رژیم را در آستانه ورشکستگی کامل اقتصادی قرار داده است . تشدید روند واگذاری کارخانه های دولتی به بخش خصوصی ، اجاره دادن صنایع کشور به شرکت های



از کارگران مرکزی حزب توده ایران

شماره ۱۳۶ دوره هشتم
سال سوم سه شنبه ۱۳۶۵/۱۰/۱۶
بهار ۲۰ ریال

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

جنایت در زندان!

خبرهای رسیده از زندانهای ایران حاکی از یک جنایت هولناک است . بر پایه این خبرها به هنگام اعتصاب غذای زندانیان سیاسی که برای نخستین بار در سالهای اخیر ، در پاسخ به ادامه تحقیر و توهین و شکنجه و سوء تغذیه و بهداشت و عدم مراعات ابتدائی ترین حقوق زندانی سیاسی با شرکت همه اعضای دربند احزاب و سازمانهای سیاسی چپ و مترقی صورت گرفت ، دژخیمان رژیم به قصد خفه کردن فریاد اعتراض فرزندان مبارز خلق به جنایت وحشتناکی دست زدند . ارگانهای سرکوبگر رژیم عده ای از اعتصاب کنندگان ، از جمله اعضای دربند حزب توده ایران ، سازمان مجاهدین فدائیان خلق ایران (اکثریت) ، سازمان مجاهدین خلق ایران ، چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) و دیگر سازمانهای مترقی و دمکراتیک را به جوخه های اعدام سپردند .

این عمل خونبار سربرندگان رژیم جمهوری اسلامی ، زمانی صورت گرفت که بشریت مترقی بیستین سالگرد تصویب اعلامیه حقوق بشر را برگزار می کرد .

جنایت وحشتزای اخیر نه تنها ماهیت تبلیغاتی مذبوحانه رژیم را دایر بر اینکه گویا زندانیان ایران را به "آموزشگاه" تبدیل کرده اند و زندانیان به اصطلاح داوطلبانه نظرات سیاسی و عقیدتی حاکم را پذیرا می شوند فاش می سازد ، بلکه در عین حال نشانگر ژرفای ترور و اختناق حاکم بر میهن بلاکشیده ماست .

بر خلاف ادعای سران رژیم روحیه مقاومت و ایستادگی در همه زندانیان ایران روز بروز اوج می گیرد . اعتصاب غذای اخیر زندانیان سیاسی نمونه بارز مبارزه آشتی ناپذیر فرزندان خلق در فراموشخانه های رژیم است .

مردم ایران و جهان باید بدانند که در "دادگاههای شرع" جمهوری اسلامی ایران ابتدائی ترین موازین قضائی و حقوقی و انسانی بقیه در ص ۵

اطلاعیه

هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

در صفحات ضمیمه

شادباش حزب توده ایران به مناسبت

بیست و دومین سالگرد بنیانگذاری

حزب دمکراتیک خلق افغانستان

به کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان

رفقای عزیز!

به مناسبت فرا رسیدن بیست و دومین سالگرد بنیانگذاری حزب دمکراتیک خلق افغانستان - حزب طبقه کارگر و زحمتکشان - که گشاینده فصل انقلابی دورانسازی در تاریخ معاصر افغانستان است ، به شما رفقای رزمنده "کمیته مرکزی و همه اعضا" تلاشگر و پیکارجوی حزب دمکراتیک خلق افغانستان صمیمانه درود و شادباش می گویم .

حزب قهرمان و پرافتخار شما ، که مولود ضرورت تاریخی و قانونمند جامعه طبقاتی و تحت ستم استثمارگران داخلی و خارجی بود ، در کشوری پس عقب مانده توانست با کارآئی و آبدیدگی انقلابی مبارزه دیرینه سال زحمتکشان افغانی علیه ظلم و بیداد و استثمار را به پیروزی رساند و راه ناپناک رهائی ابدی از فقر و جهل و بیسوادی و اسارت را بروی آنان بگشاید .

حزب دمکراتیک خلق افغانستان با رهبری کارساز و کامیابانه انقلاب ملی و دمکراتیک در این سرزمین کهنسال نه تنها ساختمان زندگی نوین و بقیه در ص ۶

افغانستان

آتش بس و سیاست آشتی ملی

در ص ۸

برنامه نهمین حزب توده ایران (ایماموزیم)

جبهه متحد خلق

ص ۴

برخی مبانی تئوری و پراتیک (۳)

وحدت عمل در مبارزه علیه جنگ ، نیاز مبرم جنبش

حمله "سرنوشت ساز"ی که سران جمهوری اسلامی از ماهها پیش درباره آن تبلیغات گسترده ای می کردند ، حمله ای که گویا میبایست به پایان پیروزمندان جنگ نابودگر بیانجامد و برای تدارک آن صدها هزار جوان و کودک و حتی پیر مردان را به زور روانه کشتارگاه جنگ ساختند ، از همان آغاز با شکست مقتضحانه روبرو شد .

خبرهایی که خبرگزاریهای جهان از صحنه های خونین حمله اخیر مخایره می کنند ، وحشتزاست . نتیجه این به اصطلاح حمله "سرنوشت ساز" که در جبهه ای بطول بیش از صد کیلومتر آغاز گردید ، هزاران کشته و زخمی برجای گذاشت . اگر تعداد مراکز صنعتی ویران شده و قربانیان بی دفاع شهرها و مراکز تجمع نیروهای مسلح ایران را که همپاران آنها چند روز قبل از شروع حمله صورت گرفت به آنچه که گفته شد بیافزائیم ، ژرفای فاجعه بیش از پیش عیان خواهد شد .

جنگ روزانه ۶ میلیون دلار از درآمد اندک ارزی کشور را می بلعد . پنج میلیون پیکار ، گسترش بیسابقه فقر و گرسنگی و بی خانمانی و فساد ، ده ها هزار پرچم سیاه و جله هائی که بر سر هر کوی و برزنی در شهرها به چشم می خورد ، از بی آمدهای این جنگ هستی برانداز است .

خمینی و دستیارانش مقصر اصلی این جنایت آشکار هستند . قربانی این جنایت ، قبل از همه کارگران و دهقانانی هستند که اکثریت قاطع افراد نیروهای مسلح و بسیج را تشکیل می دهند . هیچ خانواده زحمتکشی نیست که بار سنگین این جنگ ویرانگر را که امپریالیسم آمریکا آتش بیار آن است ، بردوش حس نکند .

افشای ماجرای زد و بندهای پنهانی خمینی و یارانش با ارتجاعی ترین جناح دولت آمریکا و صهیونیست های اسرائیل در زمینه خرید تجهیزات

بقیه در ص ۶

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

بیانیه هیات سیاسی

عظیمی روبرو ساخته است. این که بیش از ۹۰ درصد درآمد ارزی کشور با فروش نفت خام تامین می شود و نیز صدور نفت ۹۸/۵ درصد صادرات کشور را تشکیل می دهد، خود گویای خصلت عقب مانده، تک کالایی ساختار اقتصادی کشور است که از رژیم گذشته به ارث رسیده است. حکام جمهوری اسلامی علی رغم وعده هایی که پس از انقلاب بهمن ۵۷ درباره دست یابی به خود کفایی اقتصادی به مردم می دادند، هیچ تغییری در ماهیت سیاست اقتصادی، اسارت بار گذشته نداده و جامعه را با چنان فاجعه ای روبرو کرده اند که میلیون ها تن از هموطنان در غرقاب آن دست و پایی زنند.

ورشکستگی مالی رژیم موجب آن گردیده که کارخانه های کشور یکی پس از دیگری تعطیل و ده ها هزار کارگر دیگر اخراج و بیاپار خرید شده و به ارتش چند میلیونی بیکاران بپیوندند. سیاست ضد ملی رژیم در عرصه اقتصاد کشاورزی، مهاجرت جمعی روستائیان از هستی ساقط شده راه شهرهای بزرگ تشدید کرده و به افزایش بی سابقه بیکاری در جامعه، یعنی گسترش فقر، بی خانمانی، درگیری و از هم پاشیده شدن خانواده ها منجر گردیده است.

در چنین شرایطی است که رژیم برای برون رفت از بحران راه تحکیم بیش از پیش مواضع کلان سرمایه داران وابسته را که بی آمد آن سيطرة کامل آنها بر اقتصاد و سیاست کشور است، در پیش گرفته است. لایحه بودجه پیشنهادی دولت در سال ۱۳۶۶ که در آن برای اولین بار در تاریخ معاصر کشور سرمایه گذاری و بهره برداری از طرح های عمرانی در کلیه زمینه های زیربنایی اقتصاد بعهده بخش خصوصی گذاشته شده، آئینه تمام نمایی است که در آن خیانت سران ج.ا.و. راه مصالح ملی به عیان می توان مشاهده کرد. از هم اکنون می توان گفت که این مسئله بر شکاف موجود میان فقر و ثروت و بر شدت تضادهای اجتماعی و طبقاتی جامعه بیش از پیش خواهد افزود.

بی شک سیاست ارتجاعی ادامه جنگ امپریالیسم برافروخته، که خمینی و پیروان او به مردم میهن ما تحمیل کرده اند، یکی از عوامل عمده تشدید بحران همه جانبه در کشور است. در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد هزینه های جاری به جنگ اختصاص دارد. به موجب آمارهای دولتی طی بیش از ۶ سال از آغاز جنگ تنها هزینه های نظامی بالغ بر ۴۷۲۰ میلیارد ریال گردیده که این خود ضربه بزرگی بر اقتصاد ملی ما وارد آورده است. بی تردید این رقم به مراتب کمتر از هزینه های واقعی است. جنگ تاکنون علاوه بر میلیونها کشته و زخمی و معلول و اسیر و آواره، صدها شهر و روستا و دهها مرکز صنعتی و نیروگاه و هزاران مزرعه ویران شده بهار آورده است که خسارت ناشی از آنها معادل صدها میلیارد دلار بر آورده می شود.

شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" رژیم با استراتژی امپریالیسم آمریکا و متحدان ناتوی آن در خاور میانه و نزدیک انطباق کامل دارد.

یکی از هدفهای امپریالیسم تضعیف هر چه بیشتر دو کشور درگیر جنگ و تحکیم و گسترش پایگاههای نظامی و اقتصادی و سیاسی خود در منطقه خلیج فارس است.

میهن ما ایران به مثابه یکی از بزرگترین کشورهای حوزه نفت خیز خلیج فارس که با اتحاد شوروی مرز مشترک دارد، همواره یکی از آماجهای ژئوپلیتیک و استراتژیک امپریالیسم آمریکا و متحدان آن بوده است.

ادامه جنگ فرسایشی، که خواست امپریالیسم آمریکا بود، در جهت احیای مواضع از دست رفته امپریالیسم در کشور ما عمل کرده است.

روابط پنهانی سران ج.ا.و. با امپریالیسم آمریکا و صهیونیست های اسرائیلی بارزترین پی آمد سیاسی عملکرد رژیم در عرصه سیاست داخلی و خارجی است.

رژیم برای ایجاد شرایط لازم در جهت تغییر کیفی در سیاست خارجی بمنظور نزدیکی هر چه بیشتر به امپریالیسم آمریکا که نتیجه عملی آن کمک به صهیونیست های اسرائیلی است، بنحو اجتناب ناپذیری با توسل به ترور و اختناق، موج جدید سرکوب و وحشیانه نیروهای انقلابی و دمکراتیک را برآه انداخته است.

مظهر این سیاست سرکوبگرانه بورش جدید به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و تشدید آزار و شکنجه زندانیان سیاسی و از جمله توده ایهای دربند و صدور فزاینده احکام اعدام و زندانهای دراز مدت است.

ماجرای سفر مک فارلین به ایران و افشای روابط پنهانی سران ج.ا.و. با امپریالیسم آمریکا و متحد استراتژیک آن اسرائیل پرده از سیاست سالوسانه رژیم در عرصه های داخلی و خارجی برداشت و سیاسی واقعی خمینی، طراح و هدایتگر اصلی سیاست ج.ا.و. را در افکار عمومی ایران و جهان بیش از پیش برملا کرد.

رژیم که برای ادامه جنگ، ریاکارانه شعار "فتح قدس از راه کربلا" را با سو استفاده از باورهای مذهبی مردم تبلیغ می کرد، در خفا با میانجیگری اسرائیل به زد و بند با امپریالیسم تجاوزگر آمریکا سرگرم بود.

افشای این زد و بند صحت ارزیابی حزب توده ایران درباره خطر امپریالیسم آمریکا به عنوان دشمن اصلی خلفای ایران و آتش افروز واقعی جنگ میان دو کشور همسایه را به اثبات رساند.

فروش تجهیزات مدرن نظامی و بیدکی ها به ج.ا.و. و دادن سلاح و اطلاعات نظامی دست آمده از طریق مأمورانها و رادارها به عراق، نمونه بارز سیاست امپریالیسم آمریکا در شعله ور نگه داشتن آتش جنگ است.

در واقع، بسط و توسعه روابط پنهانی با آمریکا نشانه بن بست کامل رژیم در ادامه جنگ فرسایشی و ناتوانی آن در مقابله با بحران روز افزون اقتصادی و اجتماعی است. هدف ایالات متحده آمریکا از فروش سلاح

به ج.ا.و. نه تنها کمک به ادامه جنگ، بلکه به اعتراف رینگان، رئیس جمهور آمریکا، تحکیم مواضع باصطلاح میانه روها در حاکمیت ج.ا.و. و فعالیت کردن نقش عمال خود در ایران است.

سفر مک فارلین به تهران در عین حال بیانگر سیاست امپریالیسم آمریکا در قبال تحولات آینده ایران و آماده سازی آلترناتیوهای مختلف بمنظور احیای کامل مواضع از دست رفته خود در میهن ماست.

در حقیقت، کاخ سفید تنظیم روابط خود با ج.ا.و. را طبق نسخه ای انجام داده که کیسنجر وزیر امور خارجه سابق آمریکا پیش از دو سال پیش آن را تجویز کرده است. وی گفت:

"حرفها و تحرکات ضد غربی ایران با گذشت زمان فررکش می کند و واقعتهای جغرافیایی و تاریخی بر بنیادگرایی مذهبی بیروزی می گردد... منافع غرب ایجاب می کند که از اضمحلال دولتهای میانه رو و عرب معانعت گردد. این به یک ایران مهار شده و نیز یک ایران قدرتمند نیازمند است... هدف غرب باید این باشد که از شکست عراق جلوگیری کند، اما بگونه ای که ایران را دچار ضعف و بی سازمانی نسازد. ایران متحدی است که اگر یک سیاست میانه روانه را دنبال کند، سیاست آن با منافع غرب برای ایجاد ثبات در خلیج مطابقت است. ایالات متحده همزمان با نزدیکی بیشتر به دولت عراق در ماههای اخیر، باید برای بهبود روابط با تهران نیز در شرایطی که روند درک واقعیت احساس می شود، آماده باشد. این کار می تواند با باز گذاشتن راه تجارت کالاهای غیر استراتژیک و تلاش در جهت فراهم کردن فرصتهایی برای مذاکرات دو جانبه دنبال گردد."

دستگیری گروه مهدی هاشمی و متعاقب آن بازداشت کاشانی و نیز عده زیادی از افسران ارتش، اختلافها و کشاکش های درون حاکمیت و ادر ابعاد جدیدی نمایان ساخت.

دستگیری های وسیع در میان دانشجویان و در نهادهای حکومتی که در پی بازداشت گروه مهدی هاشمی انجام گرفت، نشانه جدائی شتابان نیروهایی است که پیش از افشای این زد و بند به "معجزه" رژیم در مبارزه با امپریالیسم آمریکا و صهیونیست های اسرائیلی باور داشتند.

رویدادهای اخیر که خمینی و رفسنجانی و خامنه ای در آن هر یک بقوسی نقش تعیین کننده داشتند تبلوری از روند ملزومی شدن هر چه بیشتر رژیم و بی ثباتی و بی اعتباری روز افزون آن در میان توده هاست.

علاوه بر این، رویدادهای اخیر تاکید کننده این واقعیت است که تضادهای ناشی از ساختار حکومتی که نتیجه آنها بحران گسترده اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و ایدئولوژیک دامنگیر جامعه است، گسترده تر از آن است که رژیم بتواند بر آنها فایق آید و روند تثبیت را پیجماید. به همین سبب به جرات می توان گفت که چشم انداز آینده سرشار از تحولات بفرنج، متضاده، پرتنش و در عین حال پراهمیت برای فراهم

پخش و تکثیر نامه مردم در داخل کشور وظیفه هر عضو و هوادار حزب است!

شدن شرایط عینی در راستای اوچگیری جنبش
ترده ای است.

هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران بر آن است که تشدید تضادهای اجتماعی - سیاسی، گسترش اختلافها در میان جناحهای گوناگون هیات حاکمه بر سر کسب قدرت و منافع گروهی، روی گرداندن لایه های گوناگون اجتماعی تحت ستم از رژیم از سویی و تشدید فعالیت سیاسی آنها از سوی دیگر، ونیز "بحران در بالا" بدین معنا که هیات حاکمه قادر نباشد سیادت خود را به شکل تغییرناپذیری حقا کند، شرایط انقلابی را در جامعه مابوجود می آورد.

تردیدی نیست که ایجاد شرایط انقلابی و شکل گیری و بیوایی آن، نه تنها وابسته به سیستم مناسبات اجتماعی - اقتصادی است، بلکه با موقعیت نیروهای حاکمه و نیروهای انقلابی و درجه پیوند نیروهای انقلابی با یکدیگر نیز ارتباط ناگستنی دارد.

شرایط انقلابی در جریان رشد از مراحل گوناگونی می گذرد؛ از نشانه های آشکار جنبش مخالفت با هیات حاکمه تا بحران اجتماعی سراسری که به انقلاب فرامی رود؛

با قوام گرفتن و ارتقا شرایط انقلابی به مرحله عالیتر، نقش عامل ذهنی برای رشد و گسترش آن اهمیت بیشتری کسب می کند. در مرحله بحران اجتماعی در سطح ملی و آمادگی نیروهای انقلابی برای سرنگون کردن رژیم، عامل ذهنی نقش تعیین کننده دارد.

واضح است که وجود شرایط انقلابی حتما به انقلاب منجر نمی گردد. وقتی نیروی انقلابی و مترقی آمادگی عمل سازمان یافته را نداشته باشند، شرایط انقلابی عقیم می ماند. به همین سبب برنامه حزب توده ایران - مصوب کنفرانس ملی - به عامل ذهنی که در شرایط ویژه کشور ما عبارت است از جنبه واحد نیروهای انقلابی و دمکراتیک، اهمیت خاصی می دهد.

در برنامه حزب گفته می شود: "شرط ضرور سرنگون کردن رژیم ج.ا. و استقرار حکومت انقلابی و دمکراتیک، تشکیل جنبه متحد خلق است. در شرایط کنونی این جنبه طیف وسیعی از همه احزاب، سازمانها و نیروهایی را دربر می گیرد که به آماجهای مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب بهمین پایبندند و خواهان تحقق شعار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی هستند. پایگاه اجتماعی این جنبه کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی است. این جنبه می کوشد تا لایه هایی از بورژوازی کوچک و متوسط را که در برخی از دگرگونیهای انقلاب ملی و دمکراتیک ذینفع هستند، بسوی خود جلب کند. اتحاد کارگران و دهقانان استخوان بندی چنین جنبه ای است."

متأسفانه باید گفت در حالیکه امکانات عینی برای رسیدن به توافقات اصولی میان نیروهای انقلابی و دمکراتیک هم منظور بر آوردن نیازهای حیاتی جنبش فراهم است، هنوز چشم اندازی برای رسیدن این نیروها به توافق وجود ندارد. این امر بیشتر زاییده تنگ نظریها، ذهن گراییها، پیشداوریها ونیز سیاست نفاق افکنی آشکار و نهان محافل وابسته به امپریالیسم و ارتجاع داخلی

است.

درست است که پاره ای از اختلافها میان نیروهای انقلابی و دمکراتیک وجود دارد، اما چنانکه حزب ما بارها خاطر نشان ساخته است، این اختلافها جنبه فرعی دارند و آنچنان عمیق نیستند که جنبش انقلابی نتواند با وجود آنها به بسیج نیروی عظیم زحمتکشان برای رویارویی با رژیم و در جهت ایجاد حکومتی برفع توده های محروم جامعه اقدام بکند.

ناهماهنگی بین نیروهای انقلابی و دمکراتیک و خودداری آنها از تشکیل جنبه واحد با برنامه مشترک در این شرایط بحرانی، جز بسود ضد انقلاب که مترصد فرصت است، و تشدید روحیه انفعالی در جامعه نیست.

می باید از تجربه تلخ نفاق و پیراکنندگی در گذشته پند آموخت. هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران اعتقاد راسخ دارد که با وجود کارشکنی دشمنان و تلاش آنان برای تشدید و ادامه نفاق، نیروهای انقلابی می توانند گامهای موثری در راه تأمین عامل ذهنی انقلاب بردارند.

هموطنان، خواهان و برادران زحمتکش!

میهن ما دوران پرتاب و تابی را می گذراند. رژیم نکیبت زای ج.ا. می کوشد تا کشور ما را بار دیگر به زائده امپریالیسم آمریکا تبدیل کند و زنجیر وابستگی و اسارت را محکم به دست و پای شما ببندد. برای پایان دادن به این وابستگی و اسارت مقدم بر هر چیز باید عزم پذیرنده این راه پستی را از بین برد. این عزم در حال حاضر رژیم استبداد مذهبی قرون وسطایی حاکم بر چان و مال و ناموس میلیونها ایرانی است.

کارگران آگاه و مبارزان!

تاریخ همچنان مسئولیت سنگینی بعهده شما گذاشته است. شما با تشکیل خود در واحدهای تولیدی ارتش عظیمی را برای مقابله با رژیم ضد خلقی می توانید فراهم سازید. شما بودید که با اعتصاب سراسری خود نقش تعیین کننده ای در بکورد سپردن رژیم وابسته گذاشته ایفا کردید. امروز نیز وحدت و تشکیل شما ضمن پیروزی قطعی در مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم و دستیابی به آرمانهای انقلابی است. از همه امکانات برای مبارزه در راه پایان دادن به جنگ خانمانسوز، فقر، بیکاری و بی خانمانی بهره جوئید! امروز بیش از هر وقت دیگر پشتیبانی و حمایت همه جانبه شما از حزب طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران و تقویت صفوف آن برای پیشبرد امر مبارزه ملی و طبقاتی ضرورت دارد.

دهقانان شریف و زحمتکش!

برای پایان دادن به سلطه زمینداران بزرگ و خاندانها در روستاها و ریشه کن کردن فقر و بیسوادی و بی حقوقی خود مبارزه کنید! نگذارید رژیم از شما و فرزندانتان به عنوان گوشت دم توب استفاده کند! برای پیروزی در امر مبارزه به برادران کارگر خود در شهرها پیبوندید! فراموش نکنید که پیروزی شما فقط با تأمین اتحاد عمل میان زحمتکشان شهر و روستا امکان پذیر است.

زنان محروم و تحت ستم میهن!

شما که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهید، از ابتدائی ترین حقوق مدنی و اجتماعی محروم هستید. رژیم با تحمیل قوانین قرون وسطایی تا حد توان خود شما را از صحنه کار اجتماعی به پستوی خانه ها رانده است و فرزندانش و همسرانتان را در چپه های بی بازگشت جنگ نیست و نابود می کند. برای دستیابی به حقوق انسانی و پایان دادن به ستم مضاعف، دوشادوش برادران زحمتکش خود مبارزه کنید!

دانش آموزان و دانشجویان، روشنفکران میهن دوست! در این لحظات حساس و وظیفه مهمی در عرصه روشنگری و افشای رژیم پر دوش شامت. در صف واحدی با کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا علیه استبداد و ستم نظام حاکمه و تأمین آزادیهای دمکراتیک مبارزه کنید!

پرسنل آگاه و میهن دوست نیروهای مسلح! عناصر مترقی و مردمی درون نهادها و ارگانهای حکومتی!

رویدادهای اخیر بار دیگر ثابت کرد که هرگونه امید بستن به رژیم جنایتکار و قرون وسطایی جمهوری اسلامی که خیانت به آرمانهای مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب بهمین را وظیفه زد و بند با امپریالیستها و تحکیم مواضع کلان سرمایه داران و مالکان بزرگ قرار داده است، جز اتلاف نیروی انقلابی و تضعیف جنبه متحد خلق هیچ ثمری دربر نخواهد داشت.

تردیدی نیست که روند تضعیف و سرکوب خوئین شاد آرینده نیز ادامه خواهد یافت. وظیفه میبرم و میهنی شادار لحظه کنونی شکل سازماندهی نیروی خود و نزدیکی و مبارزه مشترک با نیروهای انقلابی و دمکراتیک در جنبه متحد خلق است.

رفقای توده ای!

در شرایط پرنج کنونی، وظیفی که در برابر شما بی گبرترین سازمانگران جنبش انقلابی خلق قرار دارد، هشیاری و فداکاری فزاینده ای را می طلبد. اینک که ناراضیاتی و روند روگردانی توده ها از حکومت شتاب گرفته و جامعه در بحران عمیقی فرو رفته است، با افشای هر چه بیشتر رژیم، در متشکل ساختن و سازمان دادن هر چه بیشتر مبارزه کارگران و سایر زحمتکشان شهر و روستا بکوشید. با بکار بستن و تلفیق اشکال مختلف کار علنی و مخفی همه توان و کارآئی خود را در جهت پیروزی مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم ج.ا. بکار گیرید. به عناصر صادق مردمی درون ارگانها، که تحت تعقیب و سرکوب رژیم قرار دارند، در جهت سازماندهی مبارزه شان یاری رسانید!

بدیهی است در شرایط دشوار کنونی حفا انجام و یکپارچگی صفوف حزب و کاربست دقیق رهنمودهای کنفرانس ملی ضامن پیروزی در این مبارزه است.

هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران
دیهماه ۱۳۶۵

پایان دادن به جنگ و برقراری صلح عادلانه در گرو پیکار پی گیر،
متحد و سازمان یافته همه نیروهای مترقی و مردمی است!

برنامه نوین حزب توده ایران را بیاموزیم

جبهه متحد خلق

برخی مبانی تئوری و پراتیک (۳)

اتحاد خلق و سرکردگی پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک

مباحثه پیرامون مفهوم سرکردگی پرولتاریا و چگونگی تأمین آن در انقلاب دموکراتیک، عمده ترین محل مرزبندی استراتژیک و پراکندگی تشکیلاتی میان رزمندگان راه طبقه کارگر ایران است. اغلب حزب ما را که ۴۵ سال است در راه سازماندهی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان - در راه تأمین هم‌مونی پرولتاریای ایران - می‌رزمند، به عدول از این مبارزه متهم می‌کنند. متأسفانه درک مغشوش مبارزان "چپ" از این مفهوم پیچیده تئوری انقلابی مانع بزرگی بر سر راه بحث و گفتگوی سازنده و تفاهم آفرین با آنهاست.

سرکردگی پرولتاریا مفهومی است که درجه تأثیر مبارزه طبقه کارگر بر دیگر نیروهای مترقی را بیان می‌کند. این تأثیر محصول جذابیت ایدئولوژی طبقه کارگر و در عین حال قدرت پرولتاریا و تابع درجه سازمان یافتگی اجتماعی و سیاسی آن است. به این ترتیب، مفهوم سرکردگی را به سادگی می‌توان معادل مفهوم "نفوذ و اعتبار" دانست. لنین با دقت علمی، سرکردگی را به مفهوم "هدایت عملی" جنبش انقلابی در راه اجرای برنامه حداقل پرولتاریا بکار می‌برد. انطباق برنامه حداقل طبقه کارگر بر عمده ترین منافع توده های وسیع خلق و صحت خط مشی سیاسی آن پیش شرط گسترش اعتبار و تأمین سرکردگی آن است. لنین می‌گفت:

"حزب ما پیشاپیش احزاب دیگر گام بر می‌دارد، زیرا دارای برنامه دقیقی است" (منتخبات یک جلدی، ص ۲۴).

در عین حال رزمندگی، پایداری و قهرمانی کمونیست ها و وفاداریشان به آرمان های خلق در دشوارترین لحظات رزم اجتماعی، ساروج استحکام بنای اعتبار حزب طبقه کارگر است. این عوامل بتدریج و در جریان عمل، توده ها را به تجربه شخصی به حقانیت پرولتاریا در رهبری جنبش انقلابی مطمئن می‌کند، تا آنجا که حزب طبقه کارگر به تعیین کننده صحنه و عرصه و شیوه های اصلی مبارزات مردم تبدیل می‌شود. و به دیگر نیروهای مترقی "خط می‌دهد". و آنها را در نظر و عمل راهنمایی می‌کند، و سرانجام هنگامی که قدرت سازمانی و نفوذ سیاسی آن به اندازه کافی نضج یافت، توده ها و نیروهای مترقی غیر پرولتاری به دنبال پرولتاریا به مبارزه با دشمن ملی و طبقاتی "کشانیده" می‌شوند.

از نظر تئوریک لازم است که میان مفهوم هم‌مونی و مفهوم دیکتاتوری پرولتاریا تمایز قاطع قایل شد. دیکتاتوری پرولتاریا عملکرد قدرت سازمان یافته پرولتاریا علیه دشمنان طبقاتی پرولتاریا است. هم‌مونی پرولتاریا عملکرد این قدرت در ارتباط با متحدان طبقه کارگر است. در دیکتاتوری عنصر قهر نقش تعیین کننده ایفا می‌کند، اما در مبارزه در راه تأمین سرکردگی، قدرت پرولتاریا به خدمت اقناع توده ها گرفته می‌شود. در گزارش به کنفرانس ملی حزب توده ایران آمده است:

"(سرکردگی طبقه کارگر) فقط برپایه پذیرش داوطلبانه آن از سوی متحدان طبقه کارگر امکان پذیر است. برای دستیابی به این هدف، طبقه کارگر و پیشروی آن باید در چهارچوب منافع جنبش خواست های متحدان خود را بپذیرند و صادقانه از منافع آنان دفاع کنند" (نامه مردم، شماره ۱، ص ۱۵).

اگر کسی دیگر یگانه انگاشتن مفهوم هم‌مونی پرولتاریا با مفهوم حاکمیت پرولتاریا و کسوی اغلب نیروهای چپ، به فرمولبندی های ناهنجار تئوریک و اشتباهات خطرناک عملی انجامیده است. حاکمیت پرولتاریا، قدرت سازمان یافته پرولتاریا است که در نقطه اوج گسترش جنبش انقلابی مستقر می‌شود. هم‌مونی پرولتاریا عملکرد قدرت پرولتاریاست که در جریان گسترش جنبش انقلابی به درجات مختلف نضج می‌یابد و اعمال می‌شود. حاکمیت پرولتاریا مفهومی مطلق است، اما هم‌مونی پرولتاریا مفهومی نسبی است که می‌تواند

در عرصه های مختلف به درجات معینی تأمین شود و تنها در عالی ترین شکل به حاکمیت پرولتاریا بینجامد.

حتی در شرایطی که سرکردگی پرولتاریا در جنبش انقلابی به تأمین حاکمیت پرولتاریا در حکومت انقلابی انجامیده است، باز هم "حاکمیت" همچون امری در راه اعمال سرکردگی پرولتاریا و هدایت عملی "خلق" در راه اجرای برنامه انقلاب بکار گرفته می‌شود.

هم‌مونی پرولتاریا با ابزاری متفاوت از حاکمیت اعمال می‌شود. لنین ابزار اعمال هم‌مونی پرولتاریا را "فشار از پائین" و "فشار از بالا" می‌دانست:

"فشار از پائین" نیرویی است که سازمان های مربوط به کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان تحت رهبری کمونیست ها برای تحقق خواست هایشان به دولت وارد می‌آورند. دولت های مترقی - بویژه هنگامی که کمونیست ها در حاکمیت شرکت داشته باشند - تحت تأثیر این فشار به اجرای بخش های معینی از برنامه حداقل پرولتاریا تن درمی‌دهند، به عبارت دیگر هم‌مونی پرولتاریا را در عرصه های معینی می‌پذیرند. لنین با پیش بینی این وضع در شرایط ویژه انقلاب روسیه چنین اصرار داشت:

"اگر از اینکه شرکت سوسیال دموکراسی در حکومت انقلابی موقت ممکن باشد یا نه، باید به منظور حفظ و تحکیم و بسط و توسعه پیروزی های انقلاب (یعنی آن پیروزی هایی که از نقطه نظر منافع پرولتاریا باید شامل اجرای تمام برنامه حداقل ما باشد) اندیشه فشار دائمی بر حکومت موقت از طرف پرولتاریای مسلح و تحت رهبری سوسیال دموکراسی را در بین وسیع ترین قشرهای پرولتاریا ترویج نمود" (همانجا، ص ۲۴).

"فشار از بالا" نیرویی است که حکومت دموکراتیک انقلابی، بویژه بیکبوترین بخش ائتلاف حاکم، - کمونیست ها - با بسیج توده ها بسود تمهیک انقلاب فراهم می‌آورند، و با اجرای قاطع و بی درنگ وظایف بنیادین انقلاب به مخالفان پیشرفت انقلاب وارد می‌آورند. در شرایط معینی "فشار از بالا" یا "فشار از پائین" می‌آمیزد و به نیروی قابل توجهی در راه اجرای برنامه حداقل پرولتاریا تبدیل می‌شود.

هنگامی که نیروی سازمان یافته طبقه کارگر برای اعمال فشار در راه اجرای بخش هایی از برنامه حداقل کافی باشد، دیگر نیروهای مترقی نیز کم و بیش بخش هایی از این برنامه را می‌پذیرند و به اجرای آن یاری می‌رسانند. در اینگونه موارد می‌توان از تأثیر غیر مستقیم نقش رهبری کننده طبقه کارگر سخن گفت. انگلس این حالت را "حاکمیت غیر مستقیم پرولتاریا" نامیده است. صاحب نظران مارکسیسم - لنینیسم نیز با توجه به این حالت ها است که از امکان پیروزی انقلاب دموکراتیک طراز نوین با درجات مختلف تأمین سرکردگی طبقه کارگر سخن می‌گویند:

"با در نظر گرفتن ... مرحله کنونی بحران عمومی سرمایه داری، این چشم انداز کاملاً واقع بینانه ای است که در بسیاری از کشورهای سرمایه داری، انقلاب دموکراتیک طراز نوین (برخلاف انقلاب بورژوا - دموکراتیک ضد فئودالی) پیش از انقلاب سوسیالیستی به پیروزی خواهد رسید. این گفته بدان معناست که استقرار یک حکومت انتقالی توده ای و انقلابی دموکراتیک با درجات مختلفی از سرکردگی طبقه کارگر ممکن و در پاره ای موارد ضروری است.

تکامل بعدی روندهای انقلابی، الزاماً به استقرار قدرت زحمتکشان تحت رهبری طبقه کارگر و نیز تحول جامعه بسوی سوسیالیسم بستگی دارد" (دستاوردها و چشم اندازهای روند انقلابی جهانی - الکساندر سوبولف، سردبیر نشریه طبقه کارگر و جهان نوین، سوسیالیسم: تئوری و پراتیک، ۴ آوریل ۱۹۸۱).

این حالت معمولاً در شرایطی بوجود می‌آید که تناسب نیروها در سطح جهانی و ملی و در سطح حکومت های انقلابی به پیدایش حالت های گذار و بینابینی انجامیده است. بدیهی است که سرنوشت نهایی این حالت های گذار به سرنوشت مبارزه طبقاتی بستگی دارد که محتوای قطعی و نهایی قدرت دولتی را تعیین خواهد کرد.

در دوران ما، یعنی در دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم، در شرایطی که تناسب نیروها در سطح جهانی بسود نیروهای سوسیالیسم، دموکراسی و عدالت اجتماعی و صلح تغییر کرده و طبقه کارگر هم‌مونی روند

جنایت در زندان

لگدمال می‌شود. زندانیان سیاسی از حق دفاع و انتخاب وکیل مدافع محروم هستند. "دادگاه‌های شرع" با یک نشست و برخاست چند دقیقه‌ای حکم محکومیت زندانیان سیاسی را بدون ذره‌ای عذاب وجدان صادر می‌کنند. شکنجه و صدور احکام زندانیان در از مدت تا ۲۰ سال و نیز صدور احکام اعدام از رایج‌ترین شیوه‌ها در مقابله با دگراندیشان است. تاکنون ده‌ها تن از مبارزان دربند یا در زیر شکنجه و یا در نتیجه شکنجه‌های وحشیانه فیزیکی و روانی بهلاکت رسیده‌اند. تعداد زندانیان سیاسی مفقود شده که هیچگونه نشانه‌ای از آنها نیست، روبه افزایش است.

تصادفی نیست که مسئولان قضائی جمهوری اسلامی برای پنهان داشتن فجایعی که پشت دیوارهای زندانها می‌گذرد، تاکنون از خواست حزب ما و دیگر سازمانهای سیاسی کشور و نیز برخی از سازمانهای بین‌المللی دایر بر اجازه اعزام حقوقدانان و پزشکان بیطرف برای رسیدگی به سرنوشت زندانیان سیاسی خودداری کرده‌اند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه احزاب برادر کمونیستی و کارگری، از کلیه سازمانهای بین‌المللی مدافع حق و عدالت، از همه شخصیت‌های انساندوست، از جنبش کشورهای غیر متعهد و از شخص آقای پرزدو کوئه‌یار، دبیر کل سازمان ملل متحد می‌خواهد تا به یاری زندانیان سیاسی ایران بشتابند. جان هزاران میهن‌دوست ایرانی در معرض خطر جدی است. نگذارید انسانهایی که یگانه گناه نابخشودنی آنها دفاع از آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح است، قربانی سیاست ترور و اختناق ارگانهای سرکوبگر رژیم گردند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه سازمانها، مترقی و دمکراتیک و از کلیه کسانی که برای شخصیت و حقوق انسانها احترام قائلند می‌تلبید تا صدای اعتراض خود را علیه جنایتهای رژیم در زندانها بلند کنند.

همه اعضا و هواداران حزب در داخل و خارج بواقفند که کلیه امکانات - اعم از تظاهرات، اعتصاب غذا، پخش تراکت و شننامه‌ها، نکثیر اعظمیه حزب، جمع‌آوری امضا و غیره - را برای نجات جان زندانیان سیاسی بکار گیرند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران به پدران و مادران، به همسران و فرزندان زندانیان سیاسی قربانی جنایت اخیر دژخیمان رژیم تسلیمت می‌گوید. ما مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی، این فرزندان قهرمان خلق را وظیفه مقدس خود می‌دانیم و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نخواهیم کرد.

ابدی یاد خاطره زندانیان سیاسی ای که با خون خود صفحه نویینی در تاریخ مبارزه خلق علیه استبداد و خودکامگی گشودند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دیماه ۱۳۶۵

است. پذیرش حاکمیت سیاسی این یا آن نیروی سیاسی مترقی برخوردار از پشتیبانی مردم از سوی کمونیست‌ها، به معنی پذیرش هژمونی این نیرو و صرف نظر کردن از ادامه مبارزه در راه تأمین هژمونی پرولتاریا نیست. حزب توده ایران، هم در دوران حکومت دکتر مصدق و هم در دوره نخست حکومت خمینی و پیروانش، حاکمیت این نیروها را با واقع‌بینی سیاسی پذیرفت، اما با حفظ استقلال سیاسی و تشکیلاتی و ترویج اندیشه‌های سوسیالیستی و پیکار در راه اجرای برنامه حداقل طبقه کارگر، در عمل مبارزه خویش در راه تأمین هژمونی پرولتاریا را ادامه داد.

انکارناپذیرترین اصل در آموزش لنینی هژمونی پرولتاریا، چنانکه دیدیم، آنست که حزب طبقه کارگر نه تنها از همکاری و مبارزه مشترک با دیگر نیروهای مترقی که متحدان طبیعی او محسوب می‌شوند هراسی ندارد، بلکه به استقبال اینگونه ائتلاف‌ها و اتحاد عمل‌ها می‌شتابد و استقرار موازین دمکراتیک میزان نیروهای انقلابی را تنها شرط همکاری می‌شناسد. بویژه این اشتباه کودکانه‌ای است که کمونیست‌ها پذیرش هژمونی خویش از سوی دیگر نیروهای مترقی را شرط همکاری قرار دهند. این خام اندیشی خطرناک این روزها به شیوه مرضیه در میان "چپ"‌ها تبدیل شده است. برای نمونه "راه کارگر" آشکارا اعلام می‌کند:

"ما ... هر ائتلافی را مشروط به آن کرده‌ایم که مشخصاً در جهت رهبری پرولتاریا باشد" (ضمیمه راه کارگر، شماره ۲۹).

ما برآنیم که هر ائتلاف اصولی مبتنی بر موازین دمکراتیک میان کمونیست‌ها و دیگر نیروهای انقلابی در جهت تأمین رهبری پرولتاریاست. تنها کسانی از چنین ائتلاف‌هایی می‌هراسند که به صلاحیت خویش - به صلاحیت طبقه کارگر - در تأمین سرکردگی در جریان مبارزه اعتماد ندارند و هراس خویش را پشت شعارهای فرقه‌گرایانه مخفی می‌کنند. با پیش شرط قرار دادن هر خواست غیر اصولی و غیر دمکراتیک نه تنها ائتلاف در عمل غیر ممکن می‌شود، بلکه برای تحمیل شرایط غیر دمکراتیک از سوی متحدان طبقه کارگر نیز محصل سیاسی و تئوریک بافته می‌شود. حزب ما همواره از چنین اشتباهاتی برحذر بوده است.

ما به پیروی از لنین امر مبارزه در راه سرکردگی طبقه کارگر را همچون رقابت رزمنده و دمکراتیک میان نیروهای انقلابی می‌بینیم: در مبارزه انقلابی هژمونی از آن کسی است که به ایدئولوژی علمی و واقعا انقلابی متکی است، قهرمانانه می‌رزمند و از هیچ فرصتی برای بورش به دشمن مشترک فروگذار نمی‌کند. کمونیست‌ها، پیشاهنگان انقلابی طبقه کارگر - از آنجا که از این امتیازها برخوردارند، در این رقابت رزمنده سرانجام پیروز خواهند شد.



برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه خود را تشدید کنیم!

انقلابی

جهانی را در اختیار گرفته است، عامل بین‌المللی بشکل روز افزونی بسود تأمین هژمونی پرولتاریا در سطوح ملی تأثیر می‌گذارد. این تأثیر گاه مستقیم و در قالب حمایت اردوگاه صلح و سوسیالیسم از کمونیست‌ها و خلق‌های کشورهای رشد‌یابنده در برابر تجاوز و فشار امپریالیسم و ارتجاع داخلی چهره خود را نشان می‌دهد و گاه غیر مستقیم و از طریق الگو و سرمشق قرار گرفتن جذابیت‌های سوسیالیسم واقعا موجود برای نیروهای مترقی غیر پرولتری که آنان را به سوی سوسیالیسم جذب می‌کند به نمایش در می‌آید. با این همه اشتباه بزرگی است اگر تصور شود که در تأمین هژمونی پرولتاریا در کشورهای مختلف، عامل بین‌المللی می‌تواند جایگزین عامل ملی باشد. عامل بین‌المللی بنا به قاعده دیالکتیکی نقش شتاب‌دهنده روند تأمین هژمونی پرولتاریا را ایفا می‌کند و بطور عمده از طریق تأثیر بر عامل ملی فعالیت سیاسی و سازمانگرانه و رزم قهرمانانه کمونیست‌ها - عمل می‌کند.

توجه به این پیچیدگی‌های مفهوم هژمونی پرولتاریا - که بازتاب تنوع مطلق واقعیت سیال اجتماعی است - به سادگی نشان می‌دهد که انتقادهایی که در این زمینه از ناحیه "چپ" به حزب توده ایران وارد می‌شود بطور عمده ناشی از درهم‌اندیشی تئوریک منتقدان است. حزب ما مبارز ثابت قدم راه تأمین هژمونی پرولتاریا در انقلاب ملی و دمکراتیک ایران است:

"حزب توده ایران مرحله انقلاب بهمن ما را همچنان مرحله ملی و دمکراتیک می‌داند. تداوم پیگیری و پیروزی نهایی این انقلاب در گرو اعمال رهبری حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر است و حزب توده ایران در این راه مبارزه می‌کند"

(برنامه حزب توده ایران، شماره مردم، شماره ۱۱۸).

تمامی مبارزه ۴۵ ساله حزب ما در راه سازماندهی کارگران، دهقانان و روشنفکران انقلابی ایران، متوجه گردآوری نیرو برای تأمین رهبری طبقه کارگر بوده و هست. پشتیبانی ما از اقدامات مثبت حکومت‌های مترقی غیر پرولتری ایران جز با هدف اعمال فشار "از بالا" در راه اجرای برنامه حداقل طبقه کارگر ایران انجام نشده است و سنت‌های گرانقدر حزب ما در پیگیری مثنی توده‌ای و مبارزه همگام یا تجربه آموزی توده‌ها، حاصل این توجه دائمی به تأمین سرکردگی پرولتاریا، در انقلاب ملی و دمکراتیک ایران بوده و هست. تأمین سرکردگی پرولتاریا، راهی است که باید پیموده شود. در این روند پر فراز و نشیب حالت‌های بینابینی و موقیبت‌ها و امکانات گوناگونی برای گسترش مبارزه پدید می‌آید که غفلت در بهره‌برداری از آنها، تنها پیروزی نهایی را به تأخیر خواهد انداخت.

اشاره یاره به این نکته بسیار مهم ضروری است که مفهوم هژمونی با مفهوم حاکمیت متفاوت

شادباش حزب توده ایران به ***

عدالتخواهانه‌ای را در کشوری استعمارزده آغاز نهاد، بلکه با پیش‌رو نهادن و بیمودن راهی روشن، مترقی و رهائی‌بخش، به نمونه 'پربار جدیدی برای رستاخیز خلقهای تحت ستم خاور نزدیک و میانه بدل گردید.

حزب دمکراتیک خلق افغانستان با کاربست درست تئوری انقلابی در شرایط پهنای و خود ویژه افغانستان و استفاده 'خلاق از دستاوردهای جنبش کارگری و نهضت‌های رهائی‌بخش، به زحمتکشان افغانی امکان داد که پس از قرن‌ها تحقیر و ستم‌دیدی، فرمانروای اصیل سرنوشته خویش شوند و هویت و شخصیت فراموش شده 'اجتماعی خود را به عنوان شهروندان آزاد و مستقل عملاً باز یابند.

امروز کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان افغانستان انقلابی به عنوان شهروندان پربار حقوق حق دارند در تمام نهادهای محلی، صنفی، قانونگزاری و دیگر ارگانهای حکومتی مستقیماً و با بوسیله 'نمایندگان خود حضور فعال داشته باشند. خصلت عمیقاً مردمی حکومت انقلابی افغانستان از همین ویژگی دمکراتیک آن سرچشمه می‌گیرد.

پیروزیهای افتخارآمیز حزب دمکراتیک خلق افغانستان در حل مسائل پهنای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ملی در مرحله 'کنونی آسان بدست نیامده است.

ارتجاع و امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، که از تاثیر انقلاب رهائی‌بخش افغانستان بر وجدان خلقهای منطقه سخت بی‌مناک هستند، طی قریب ۸ سال تحمیل جنگ اعلام نشده به خلقهای از بند رسته افغانستان و پرورش و اعزام گروههای خرابکار بداخل این کشور حتی یک لحظه به حکومت نوپنهاد افغانستان مجال نداده اند که همه 'امکانات مادی و نیروی انسانی میهن انقلابی را تماماً در راه نوسازی شکوفان کشور و تأمین هر چه بیشتر صلح، دمکراسی و عدالت اجتماعی بکار گیرد.

افشای روابط پنهانی سران ج.ا. با کاخ سفید، اختصاص دادن بخشی از سود معامله 'تسلیماتی واشنگتن - تهران برای کمک به ضد انقلابیون افغانی در رساندن سلاحهای آمریکائی از محور اسرائیل - تهران به اشرار افغانی بیکبار دیگر به وضوح نشان داد که ارتجاع و امپریالیسم در دشمنی با رستاخیز خلقها و خفه کردن آتش انقلابها، در چه ابعاد نفرت انگیزی همکاری می‌کنند.

در برابر چنین دسایس پشیمانانه‌ایست که خلقها و نیروهای انقلابی و دمکراتیک و ترقیخواه جهان نمی‌توانند آسوده خاطر بنشینند و تماشاگر توطئه‌ها و بورش افسارگسیخته 'ارتجاع و امپریالیسم به انقلابهای پیروزمند شوند.

بنابراین همین وظیفه 'خطیر انترناسیونالیستی، تاریخی و انقلابی است که حزب ما از همان آغاز پیروزی انقلاب ملی و دمکراتیک افغانستان تحت رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان همه 'توان و نیروی خود را در بسیج نیروهای انقلابی و دمکراتیک برای دفاع از امر انقلاب افغانستان بکار گرفت.

دفاع از انقلاب افغانستان، دفاع از صلح، استقلال، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی و دفاع از حیثیت و شرف ملی در برابر توطئه‌های امپریالیستی است.

بدین مناسبت ما به کمکهای بی‌غرضانه 'انترناسیونالیستی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به انقلاب افغانستان و تحکیم و تقویت بنیه 'دفاعی این کشور در برابر ضد انقلاب جهانی ارج فراوان می‌نهیم.

حزب دمکراتیک خلق افغانستان در شرایطی بیست و دومین سالگرد بنیانگذاری خود را جشن می‌گیرد که بیستمین پلنوم خود را برای تسریع آهنگ نوسازی انقلابی جامعه با پیروزی برگزار کرده و در سیاست داخلی و خارجی تجربه و دستاوردهای بزرگ و امیدبخشی کسب کرده است.

بازگشت شش‌هنگ از واحدهای محدود اتحاد شوروی در افغانستان به میهن، که با موافقت جمهوری دمکراتیک افغانستان و دولت اتحاد شوروی صورت گرفت و نیز ابتکارهای انقلابی افغانستان در حل و فصل سیاسی مسئله 'پیرامون افغانستان و پیشبرد مبتکرانه 'مذاکرات ژنو و اجرای سیاست وحدت بخش "مصالحه ملی" در کشور، قبل از هر چیز ضابطه‌گر کامیابی سیاست انقلابی و اصولی حزب دمکراتیک خلق افغانستان در عرصه 'ملی و بین‌المللی است.

ما یقین کامل داریم که حزب برادر، با سرشت عمیقاً انقلابی و درایت علمی و پرخورداری از توان رزمی اعضا، و هواداران خود و تلاش جسورانه 'خلقهای بیدار و آگاه افغانستان و همبستگی‌های انقلابی بین‌المللی از این پس نیز به کامیابیهای باز هم فزونتری در عرصه 'ملی و بین‌المللی نایل خواهد آمد.

پاینده باد جمهوری دمکراتیک افغانستان! کوتاه باد دست تجاوزگر ارتجاع و امپریالیسم از افغانستان انقلابی!

گسترده باد پیوند رزمی و انترناسیونالیستی حزب توده ایران و حزب دمکراتیک خلق افغانستان!

استراتژی امریکادار منطقه

ایران علیه عراق، ترکیه که منطقه نفت خیز کرکوک را جزء مناطق حیاتی خود محسوب می‌کند دست به مداخله نظامی می‌زند تا این منطقه بدست ایرانی‌ها نیفتد. اینک روستاهای مرزی ترکیه و عراق از سکنه خالی می‌شوند و جای روستائیان را سربازان می‌گیرند.

سخنگویان دولت ترکیه برای تکذیب شایعات فوق تنها اعلام می‌کنند: "ترکیه مسائل را با دینتر گرفتن منافع ملی خود (که البته از منافع امپریالیسم آمریکا و پیمان تجاوزکار ناتو جدا نیست) ارزیابی خواهد کرد و در مورد آنها تصمیم خواهد گرفت. این موضعگیری نشان می‌دهد که دولت کنونی ترکیه، نقشی را که امپریالیسم آمریکا برایش در نظر گرفته پذیرفته است.

وحدت عمل در مبارزه علیه جنگ،

نیاز مبرم

نظامی و نیز تحویل پنهانی سلاح و اطلاعات نظامی از جانب آمریکا به عراق، بار دیگر به مردم میهن ما و جهانبان نشان داد که چه کسانی در ادامه 'جنگ میان دو کشور همسایه ذینفع هستند.

حزب توده ایران بارها خاطر نشان ساخته که پیروزی در این جنگ امکان‌پذیر نیست. ما گفته و باز هم تکرار می‌کنیم که یگانه راه جلوگیری از این همه کشتار، تخریب شهرها و روستاها و مراکز صنعتی هر در طرف درگیر در جنگ، نشستن پشت میز مذاکره و حل و فصل مسائل مورد اختلاف بر اساس صلح عادلانه است. این خواست مردم میهن ماست.

برای عملی ساختن این خواست توده‌های میلیونی باید مبارزه کرد. مبارزه نیز وقتی امکان‌پذیر است که سازمان داده شود، اکثر احزاب و سازمانهای ملی، مترقی و دمکراتیک مخالف ادامه 'جنگ هستند و مواضع خود در این زمینه را صریح اعلام کرده‌اند. متأسفانه این نیروها تاکنون قادر نشده‌اند که در مورد مسئله 'حیاتی جنگ و صلح زبان مشترکی بیابند.

شعار پایان دادن به جنگ به مثابه 'عامل مهم بسیج خلق در راه صلح عادلانه، می‌تواند پایه 'وحدت عمل همه 'نیروهای ملی، مترقی و دمکراتیک باشد و بدینسان نقش تعیین‌کننده‌ای در سازمان دادن مبارزه 'توده‌ها علیه رژیم ایفا کند.

تاریخ مسئولیت سنگینی در این مورد به عهده 'همه 'ما گذارده است. خودداری از وحدت عمل در این عرصه که با سرنوشته میلیونها ایرانی، حال و آینده 'میهن ما ارتباط مستقیم دارد، غیر قابل توجیه است و مردم ایران هیچگاه این خطا را نخواهند بخشید.

بیش از ۲ میلیون تن کشته و زخمی و محاول و آواره، ۱۴۰ هزار ساختمان مسکونی و مؤسسات صنعتی و بیش از ۲ هزار شهر و روستای ویران شده! این آمار و ارقام باید هر فرد مترقی و میهن دوست را به اندیشه وادارد. تا کی باید تعال کرد؟ تا کی باید با طرح اختلاف نظرها در مسائل سیاسی که در مقایسه با فاجعه 'عظیمی که دامنگیر هموطنان ما شده است جنبه 'فرعی دارند، از وحدت عمل در مبارزه علیه جنگ افروزان، شانه خالی کرد؟

ما بار دیگر همه 'آثانی را که به سرنوشته توده‌های میلیونی زحمتکشان و به آزادی و استقلال میهن خود علاقمندند، به وحدت عمل در مبارزه علیه جنگ و دستیابی به صلح عادلانه فرا می‌خوانیم. به دشمنی که برای ادامه 'سیاست ایران برپا داده خود از زد و بند پنهانی با امپریالیسم تجاوزگر آمریکا و صهیونیست‌های اسرائیل ابائی ندارد، جز با اتحاد و یگانگی نمی‌توان پاسخ داد. تنها اتحاد ضامن پیروزی است.

*

جاوید باد خاطره تابناک شهیدان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح!



کاهش وقت کار در بنزخاور

به علت کمبود مواد اولیه و قطعات یدکی، قرار است که وقت روزانه کار در کارخانه بنزخاور به ۵ ساعت کاهش یابد. بر اساس این طرح کارگران تا ساعت یک بعد از ظهر کار می‌کنند و به آنها نهار داده نمی‌شود. مدیریت کارخانه اظهار داشت: تا زمانی که پول داشته باشیم حقوق کارکنان را می‌پردازیم و سه ساعت کاهش وقت کار را از آنها طلبکار خواهیم بود که در آینده با انجام اضافه‌کاری (بدون گرفتن دستمزد) آن را جبران کنند. گفته می‌شود که مقدمات اخراج برخی از کارگران این واحد دارد فراهم می‌شود. کارخانه بنزخاور در حال حاضر تقریباً پانزدهم ظرفیت خود برای چپه‌های جنگ کار می‌کند و با وجود آن که یکی از واحدهای "نظر کرده" رژیم است، سطح تولید آن به شدت کاهش یافته است.

فضای متشنج در مرزها

به دنبال شایعاتی که در این اواخر پیرامون بازخرید شدن کارگران در "مزد" دهان به دهان می‌گشت، سرانجام در پانزدهم شهریور فرم مربوطه بین تمام پرسنل اداری و تولیدی توزیع شد. بعد از پخش فرم، جو کارخانه بسیار متشنج و عصبی شد و کار عملاً ته‌لعل گردید. کارگران دسته دسته جمع شدند و به بحث پرداختند و پس از مشورت با هم بطور جمعی به مقابل دفتر مدیریت رفتند. معلوم شد که مدیریت به دلیل شرایط موجود در محل کار حاضر نشده است. نماینده مدیریت نیز از پذیرفتن کارگران بطور جمعی سه باز زد. کارگران به دفتر شورای کارخانه (شورای اعلامی کار) رفتند و تحت فشار آنها نمایندگان شورا به اداره کار کرج مراجعه کردند. به آنها گفته شد: کارگران می‌توانند فرم را بپذیرند و چنانچه اخراجشان کردند ما می‌آئیم و احقاق حق می‌کنیم؛ نمایندگان شورا این مسئله را با کارگران در میان نهادند و افزودند که صرف‌مآورد جایی نمی‌خوانند. بسیاری از کارگران که می‌دانستند برخی از افراد شورا انتصابی و نماینده کارفرما وابسته به رژیم هستند، می‌گفتند: اگر اینها نمایندگان واقعی ما بودند تا بحال در نخست وزیر، راهم از جا کنده بودند...

در فرم توزیع شده توسط کارفرما اعلام شده بود، چنانچه کارگران تا تاریخ بیست و ششم شهریور تقاضای بازخرید کنند به آنها تا هفت هزار تومان جایزه داده می‌شود. و نیز کارفرما بصورت تهدیدآمیز اعلام کرد که کارگران می‌توانند فرم

مربوطه را بپذیرند ولی چنانچه حقوقشان کسر شد یا محل کارشان عوض شد و یا مزایای امروزی را هم چند وقت دیگر قطع کردیم، حق گناه و اعتراض ندارند. این مسئله سبب شد که گروهی از کارگران تقاضای بازخرید کنند و بخشی نیز در سه دوراهی قرار گیرند. مخالفان بازخرید بانجام توان خود می‌کوشند که برای مقابله با روشهای ضد کارگری مدیریت - که خود نماینده رژیم است - همکاران خود را به مبارزه متعهد دعوت کنند.

- وظیفه هسته‌های کارگری است که آنها را بیاری کنند.

اخراج کارگر ارمنی به بهانه واهی

در یکی از کارخانه‌ها بدون هیچ اطلاع قبلی یکی از کارگران ارمنی را به بهانه واهی اخراج کردند. وی وقتی در اعتراض به اخراج خود، قصد خود مبنی بر شکایت به وزارت کار را به اطلاع کارفرما رساند، تهدید شد که در وزارت کار گفته خواهد شد که وی در کارخانه مبادرت به فروش مشروبات الکلی کرده است. بدین ترتیب کارفرما با توسل به این حربه کثیف دیناری در قبال اخراج این کارگر پرداخت نکرد. اخراج کارگر ارمنی موجب اعتراض همکاران او شد.

وضعیت یک کارگاه خصوصی

بسته‌بندی مواد غذایی

تعداد کارگران: ۲۵ نفر
سن کارگران: چهارده تا سی سال. اخیراً به علت سربازگیری جنسی و تهدید کارفرما از طرف پاسگاه محلی کارگران مشمول اخراج شده‌اند. مدیر کارگاه ترجیح می‌دهد بجای کارگران اخراج شده، کارگران افغانی را استخدام کند. ساعات کار: روزهای شنبه تا چهارشنبه از ۷ تا ۱۶ و پنجشنبه‌ها از ۷ تا ۱۲. وقت نهار و جای حدود یک ساعت. تهیه نهار با خود کارگران است.

اکثر کارگران جدید استخدام هستند. قدیمی‌ترین کارگر ۲ سال سابقه کار دارد. مدیر کارگاه دانش در حال استخدام و اخراج کارگران است. هیچ شورا و تشکلی در کارگاه وجود ندارد. اضافه کاری اجباری است و ساعتی ۱۷ تومان به کارگر پرداخت می‌شود. در حالی که حداقل باید ساعتی ۲۲ تا ۲۵ تومان پرداخت شود. هر کارگری که حاضر به اضافه کاری نباشد اخراج می‌شود. مثلاً یکی از کارگران بعلت همین مسئله مجبور به ترک تحصیل شد. چون بعد از ظهرها در حال تحصیل در مدرسه شبانه بود.

به علت وجود بیکاران زیاد که همیشه به کارگاه‌ها و کارخانه‌ها رجوع می‌کنند، اجحاف زیادی از جمله به کارگران این کارگاه می‌شود، بویژه به کارگران خردسال.

در اوائل اردیبهشت ماه یک روز کارگران سالن بسته‌بندی دست به اعتصاب زدند. خواست‌های آنها اضافه حقوق و پاداش عید دادن یک وعده غذا بوسیله کارفرما بود. اعتصاب نتیجه‌ای نداد. به بیمه‌های اجتماعی محل مراجعه کردند و از آنجا به وزارت کار حواله داده شدند. وزارت کار پس از ساعت‌ها سرگردانی به آنها گفت:

- شما کارگر خدمات هستید، نه کارگر تولید. پس عیدی و پاداش و سود به شما تعلق نمی‌گیرد.
- کارگاه شما بزرگ نیست و کارفرما می‌تواند به شما صبحانه و نهار ندهد.

- کارفرما می‌تواند شما را اخراج کند ولی نسبت به زمانی که کار کرده‌اید باید خسارت و غرامت بپردازد.

- دستمزد کارگران امسال بوسیله دولت اضافه شده است. بنابراین کارفرما را نمی‌توان مجبور به پرداخت اضافه حقوق کرد.

کارگران دست از یا دراز تر به کارگاه باز گشتند و متوجه شدند که اصلاً مسئله مربوط به کارفرما نیست، بلکه مربوط به رژیم است. چون هیچ قانونی وجود ندارد که از آنها حمایت کند و نتیجه‌گیری یک از کارگران این بود که رژیم فقط به فکر جنگ است و هیچ به فکر مردم نیست.

- باید با سنجش شرایط و رعایت اصول پنهانکاری از جمله در سازماندهی کارگران کارگاهی در جهت دستیابی به خواست‌های صنفی و سیاسی خود، تلاش ورزید و نخیه آنان را به مبارزه مخفی فراخواند.

گفتگو با یک کارگر "کنش ملی"

- راجع به کار و زندگی تان بگوئید.
- دو سال است که در "کنش ملی" کار می‌کنم. روزی ۷۲ تومان حقوق می‌گیرم. در کرج مستاجر هستم. خرج مادر پیر و خواهر کوچکم را باید بدهم.
- راجع به جنگ چه فکر می‌کنید؟

- با جنگ رابطه خوبی ندارم، ولی برای گرفتن پاداش و کمک به خرج زندگی مجبورم به جیبه بروم تازه اگر نروم چی؟ امکان بازخرید یا اخراج هم وجود دارد. اگر کشته شوی چی؟ آنوقت مادر و خواهر کوچکم شوا چه می‌کنند؟ تازه، شما هنوز جوان هستید چرا اینکار را می‌کنید؟

- ای بابا دلت خوش است. ما که همه چیزمان را از دست داده‌ایم، بگذار جانمان را هم رویش بگذاریم.

- چرا تلاش نمی‌کنی وضع را تغییر بدهی؟ بجای رفتن به جیبه، چرا وارد عرصه مبارزه با رژیم نمی‌شوی؟

- این سئوالی است که راجع به آن خیلی فکر کردم. باز هم باید فکر کنم. علی‌الحساب در مورد رفتن به جیبه هنوز هشت ساعتی وقت دارم که فکر کنم. شاید فردا خواب ماندم و به کاروان جیبه نرسیدم...

کارگران مبارز! برای دستیابی به خواسته‌های صنفی و سیاسی خود، متشکل و متحد شوید!

استراتژی امریکا در منطقه و نقش خائنانه ترکیه

افغانستان: آتش بس و سیاست آشتی ملی

حزب و دولت و فرماندهان نیروهای مسلح موظف شده اند تمام کوشش های لازم را بکنند تا آتش بس، دائمی و مطمئن گردد و بدین ترتیب شرایط برای گفتگو با مخالفان فراهم آید.

نجیب گفت آتش بس گامی مهم و لازم اما مقدماتی بسوی صلح است. برای صلح پایدار حصول یک توافق ملی همگانی برای حاکمیتی که بطور عادلانه نمایندگی همه اقشار را داشته باشد لازم است.

باید وضع افغانستان بمثابه دولتی مستقل، دارای حق حاکمیت و غیرمتعهد تضمین شود.

باید با تمام آن نیروهای سیاسی که در موضع

مخالف ما هستند اما برای سازش با حاکمیت

خلقی آماده اند گفتگوهای جدی انجام شود. در

شرایط کنونی تشکیل یک دولت ائتلافی با شرکت

گروه بندی های مخالف امکان پذیر است. نجیب

افزود: آشتی ملی باید با اظهار نظر همه خلقی

درباره طرح قانون اساسی همراه گردد بطوریکه

نمایندگان دوطرف مقابل بتوانند پیشنهاد های

خود را مطرح سازند. نمایندگان مخالفین

همچنین می توانند در ارگان های حاکمیت محلی

انتخاب گردند. انتخاب مهمترین سیاستمداران

مخالف در مجلس آینده نیز امری قابل تامل

است.

ارگان اصلی آشتی ملی کمیسیون های فوق

الماده ای خواهد بود که در آنها شخصیت های

برجسته، ریش سفیدان قبایل، نمایندگان حزب

و دولت و مخالفان گردهم می آیند. این ارگان ها

می توانند در مقیاس محلی بصورت جرگه های صلح

برای امضای صورت مجلس های آشتی تشکیل شوند

و تصمیم های آنها در چارچوب محلی قدرت قانون

را خواهد داشت. این روند در پایان باید به

جرگه آشتی ملی منجر گردد.

چند روز پیش در کابل پلنوم فوق العاده کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان برگزار شد.

دکتر نجیب دبیر کل کمیته مرکزی گزارشی زیر عنوان " وظایف حزب برای تحقق آشتی ملی در افغانستان " قرائت کرد. پلنوم مشی آشتی ملی را مورد تأیید قرار داد.

در این گزارش برقراری صلح در کشور بمثابه نخستین نیاز مبرم مورد ارزیابی قرار گرفته است. تصمیم حزب مبنی بر در پیش گرفتن مشی آشتی ملی از تامل توده های خلق به پایان یافتن خونریزی هاسرچشمه می گیرد.

دبیر کل کمیته مرکزی حزب گفت اصول این

آشتی، ساده و برای هرکس قابل فهم است: آتش

بس، خودداری از پیکار مسلحانه و خونریزی

بهنگام حل مسائل امروز و فردای افغانستان،

دستیابی به نمایندگی عادلانه تمام خلق در ساختار

اجتماعی و زندگی اقتصادی، امتناع از پیگرد

بخاطر فعالیت های پیشین سیاسی و عفو عمومی،

تکهداری و گسترش سنت های تاریخی، ملی و

فرهنگی و همچنین احترام به دین اسلام - مهمترین

هدف آشتی ملی را نجیب صلح و امنیت،

گسترش دستاوردهای انقلاب، تحقق کامل برنامه

عمل جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان، تضمین

توسعه مستقل، دموکراتیک و مترقی افغانستان و

همچنین تحقق وضعی با ثبات در افغانستان و

تحکیم حاکمیت خلق ذکر کرد.

آنطور که دبیر کل کمیته مرکزی اعلام کرد

آشتی ملی با یک آتش بس سراسری از پانزدهم

ژانویه در سراسر کشور آغاز می شود. اما آتش بس

تنها مربوط به یک طرف درگیری نیست. هرکسی

که به استفاده از سلاح ادامه دهد پاسخ دندان

شکن دریافت خواهد کرد. ارگان های محلی

حمله به ایران به بهانه تعقیب " تروریست

های " کرد و اشغال شمال عراق با لزوم حفظ

تجهیزات نفتی و دفاع از ترکمن های لیلی العده

عراقی که در آن منطقه زندگی می کنند توجیه

خواهد شد. بان ترکیست های ترکیه که مناطق

شرقی آذربایجان ایران را " اوت پدري " خود

می دانند ترکمن های عراقی را هم که جز شباهت

دور زبانی هیچ وجه مشترکی با ترکیه ندارند

خودسرانه " برادران ترک " اعلام می کنند.

البته تحقق این پندارهای تجاوزگرانه در

نزدیکی مرزهای اتحاد شوروی برای ترکیه

خطرات جدی در پی دارد. از این روست که

روزنامه " جمهوریت " رهبران ترکیه را به تفکر

و احتیاط دعوت می کند.

چندی پیش مجلس ترکیه یک فرمان دولتی را

تصویب کرد که بموجب آن ارتش ترکیه " حق "

امپریالیسم امریکا که روی استراتژی کلی ضد شوروی و ضد کمونیستی رژیم ضد خلقی ج.ا. سرمایه گذاری کرده و می کند، در عین حال آینده را نیز فراموش نکرده و با در نظر داشتن تمام احتمالات ممکن خود را برای " روزمبادا " ی جنگ ایران و عراق آماده می کند. برای چنین روزهایی نقشه اشغال بخشی از آذربایجان ایران طرح ریزی شده و اجرای آن بعهده ترکیه، دوست رژیم خمینی و عضو پیمان تجاوزکار اتلانتیک شمالی واگذار گردیده است.

در عراق هم در صورت بروز خطراتی که ناشی از مبارزات نیروهای مرفقی عرب و کرد و یا بهم خوردن تعادل جنگی میان ایران و عراق باشد امپریالیست ها توسط ارتش ترکیه وارد صحنه عمل خواهند گردید.

روزنامه آمریکایی " اینترنشنال هیرالد

تریبون " این روزها گزارشی را در ارتباط با

تدارک برای این توطئه خطرناک منتشر کرد.

این روزنامه می نویسد که ترکیه هرج و مرج در

مرزهای شرقی خود را که مرزهای پیمان اتلانتیک

شمالی (ناتو) نیز هست تحمل نخواهد کرد.

انتشار اینگونه مطالب بمنظور آماده ساختن

افکار عمومی در ترکیه برای مداخله احتمالی

نظامی در عراق و ایران در صورتی است که

تحوالات نامطلوبی در این دو کشور روی دهد که

منافع غرب امپریالیستی در معرض تهدید جدی

قرار گیرد.

" اینترنشنال هیرالد تریبون " به بهانه های

دیگری هم که می توان برای توجیه چنین

مداخله ای یافت اشاره می کند و از جمله " لزوم

تضمین آزادی و امنیت کشتیرانی از تنگه هرمز "

را یادآور می شود.

گزارش این روزنامه آمریکایی سپس توسط

منابع داخلی ترکیه نیز تأیید شد. حسین گیولر

سرهنگ بازنشسته و یکی از روسای سابق سازمان

جاسوسی ترکیه که اینک نماینده مجلس و عضو

حزب سوسیال دموکرات خلقی به رهبری اردال

اینونو (پسر عصمت اینونو رئیس جمهور سابق

ترکیه) است در ماه اکتبر سال جاری طی یک

سخنرانی در مجلس ترکیه مطالب مهمی را افشاء

کرد که به میهن ما نیز مربوط می شود.

او گفت : یک نقشه مخفی آمریکایی برای

مداخله نظامی علیه عراق و ایران در صورت لزوم

وجود دارد که افزاینده تحقق آن ارتش ترکیه خواهد

بود. برپایه این نقشه ارتش ترکیه باید منطقه

نفت خیز کرکوک در عراق و بخش شرقی

آذربایجان ایران را اشغال کند. همزمان با این

تجاوز نیروهای اقدام سربه آمریکا نیز وارد

خاک ترکیه خواهند شد تا موقعیت عملیات

تضمین گردد.

حمله به ایران به بهانه تعقیب " تروریست های " کرد و اشغال شمال عراق با لزوم حفظ تجهیزات نفتی و دفاع از ترکمن های لیلی العده عراقی که در آن منطقه زندگی می کنند توجیه خواهد شد. بان ترکیست های ترکیه که مناطق شرقی آذربایجان ایران را " اوت پدري " خود می دانند ترکمن های عراقی را هم که جز شباهت دور زبانی هیچ وجه مشترکی با ترکیه ندارند خودسرانه " برادران ترک " اعلام می کنند. البته تحقق این پندارهای تجاوزگرانه در نزدیکی مرزهای اتحاد شوروی برای ترکیه خطرات جدی در پی دارد. از این روست که روزنامه " جمهوریت " رهبران ترکیه را به تفکر و احتیاط دعوت می کند. چندی پیش مجلس ترکیه یک فرمان دولتی را تصویب کرد که بموجب آن ارتش ترکیه " حق "

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است

NAMEH
MARDOM
Nr. 136

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

6januarY 1987